



اصول آیین دادرسی مدنی فراملی

ترجمه:

دکتر مجید پوراستاد

استادیار آیین دادرسی مدنی و حقوق تطبیقی

دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی

(واحد تهران مرکز)



مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

فهرست

قلمرو و اجرای اصول.....	۱
۱. استقلال، بی طرفی و اوصاف دادگاه و دادرسان آن.....	۱
۲. صلاحیت دادگاه نسبت به طرفین.....	۲
۳. برابری اصحاب دعوا در دادرسی.....	۳
۴. حق برخورداری از وکیل.....	۳
۵. ابلاغ صحیح و حق استماع اظهارات.....	۳
۶. زبان دادرسی.....	۵
۷. اجرای فوری عدالت.....	۵
۸. اقدامات موقت و احتیاطی.....	۵
۹. ساختار دادرسی.....	۶
۱۰. اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی.....	۷
۱۱. تکالیف اصحاب دعوا و وکلای آنان.....	۷
۱۲. تعدد دعاوی و اصحاب دعوا؛ دعاوی اشخاص ثالث.....	۸
۱۳. نظریه حقوقی یاور دادگاه.....	۹
۱۴. مسؤولیت دادگاه در اداره دادرسی.....	۹
۱۵. حکم رد دعوی متروک و صدور حکم غیابی.....	۱۰
۱۶. دسترسی به اطلاعات و دلایل.....	۱۱
۱۷. ضمانت اجرا.....	۱۲
۱۸. منع افشاء دلایل سرّی یا محرمانه.....	۱۳
۱۹. بیان اظهارات به صورت کتبی و شفاهی.....	۱۳
۲۰. دادرسی علنی.....	۱۴

بار اثبات و ضابطه آن.....	۱۴	۲۱
تکلیف طرفین و دادگاه در تعیین امور موضوعی و حکمی.....	۱۵	۲۲
رأی دادگاه و اسباب موجهه آن.....	۱۶	۲۳
سازش.....	۱۶	۲۴
خسارات دادرسی.....	۱۶	۲۵
امکان اجرای فوری احکام.....	۱۷	۲۶
تجدید نظر از آرای دادگاه.....	۱۷	۲۷
اعتبار امر مطروحه و اعتبار امر مختومه.....	۱۸	۲۸
اجرای مؤثر آرای دادگاه.....	۱۸	۲۹
شناسایی آرای دادگاه.....	۱۸	۳۰
تعاون قضایی بین المللی.....	۱۹	۳۱

The black letter rules of the Principles of Transnational Civil Procedure in Persian are here reproduced by kind permission of The SD Institute of Law (S.D.I.L.) as part of the full volume reproducing the Persian translation of the Principles and Rules of Transnational Civil Procedure done by Dr.Majid Pour-Ostad (First Edition 2008, Tehran). This translation has not been reviewed or approved by ALI or UNIDROIT and Dr.Majid Pour-Ostad bears the sole responsibility for the accuracy of the translation.

Copyright of the Principles and Rules of Transnational Civil Procedure 2005 by the American Law Institute (ALI), and for the “Principles” also the International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT). All rights are reserved. The complete work in English is available from the Cambridge University Press <http://www.uk.cambridge.org>

با اجازه و لطف ناشر (مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش) که ترجمه فارسی اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی را به طور کامل چاپ کرده است (چاپ اول ۱۳۸۷، تهران)، در اینجا فقط اصول آیین دادرسی مدنی فراملی باز چاپ می شود. مؤسسه حقوق آمریکا و مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی این ترجمه را بازبینی و تأیید نکرده‌اند و مسئولیت صحت ترجمه فقط به عهده دکتر مجید پوراستاد است. حق چاپ و نشر اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی چاپ ۲۰۰۵ متعلق به مؤسسه حقوق آمریکا (ALI) است که در «اصول» نیز مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی (UNIDROIT) به طور مشترک در آن سهیم است. کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است. این اثر به طور کامل و به زبان انگلیسی در تارنمای <http://www.uk.cambridge.org> موجود است.

اصول آیین دادرسی مدنی فراملی

قلمرو و اجرای اصول

این اصول، معیارهایی برای حل و فصل اختلافات بازرگانی فراملی هستند. همینطور، این اصول می‌توانند برای حل و فصل بسیاری از اختلافات مدنی دیگر مناسب و در عین حال مبنایی برای ابتکارات آتی جهت اصلاح قوانین آیین دادرسی مدنی باشند.

۱. استقلال، بی‌طرفی و اوصاف دادگاه و دادرسان آن

- ۱-۱ دادگاه و دادرسان در رسیدگی به دعوا بر اساس امور موضوعی و حکمی آن، دارای استقلال قضایی هستند. اجتناب از هر گونه اعمال نفوذ ناروا، اعم از داخلی و خارجی، نمونه‌ای از این استقلال قضایی است.
- ۱-۲ دادرسان باید از دوره تصدی متعارفی برخوردار باشند. اعضای غیر حرفه‌ای دادگاه باید به شیوه‌ای انتخاب شوند که استقلال آنها از اصحاب دعوا، اختلاف و سایر اشخاص ذینفع در دعوا، تضمین شود.
- ۱-۳ دادگاه باید بی‌طرف باشد. دادرس یا هر شخص دیگری که دارای اختیار تصمیم‌گیری است، در صورت وجود جهات متعارف برای ظن به بی‌طرفی آنان، باید از رسیدگی به دعوا امتناع کند. برای رسیدگی به شکایات مربوط به تخلفات قضایی دادرسان، باید شیوه رسیدگی عادلانه و کارآمدی وجود داشته باشد.
- ۱-۴ دادگاه یا دادرس نباید اظهارات یکی از طرفین را در غیاب طرف‌های دیگر استماع کند مگر در مواردی که این اظهارات مربوط به دادرسی‌های بدون ابلاغ^۱ می‌شود و برای اداره عادی جریان دادرسی ضرورت دارد. در صورتی که بین دادگاه و یکی از طرفین دعوا بدون حضور طرف دیگر مذاکره‌ای صورت گیرد، دادگاه باید فوراً طرف غایب را از مفاد آن مطلع کند.
- ۱-۵ دادگاه باید از دانش و تجربه حقوقی قابل توجه‌ای برخوردار باشد.

1. Proceedings without notice

۲. صلاحیت دادگاه نسبت به طرفین

- ۲-۱ دادگاه در موارد زیر صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد:
- ۲-۱-۱ وقتی که طرفین دعوا جهت ارجاع اختلاف به آن دادگاه با یکدیگر تراضی کنند؛
- ۲-۱-۲ وقتی که میان کشور مقرر دادگاه با طرف دعوا یا معامله یا واقعه مورد اختلاف، ارتباط اساسی ای وجود داشته باشد. در موارد زیر، ارتباط اساسی وجود دارد:
- وقتی که بخش مهمی از معامله یا واقعه در کشور محل دادگاه حادث شده باشد؛
- اگر خواننده شخص حقیقی است، اقامتگاه وی و اگر شخص حقوقی است، مرکز امور بازرگانی یا محل ثبت آن در کشور محل دادگاه باشد؛ و همچنین در صورتی که اموال مورد اختلاف در کشور مقرر دادگاه واقع شده باشد.
- ۲-۲ دادگاه در موارد زیر نیز صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد مشروط بر این که به طور متعارف هیچ دادگاه صالح دیگری وجود نداشته باشد:
- ۲-۲-۱ وقتی که خواننده در کشور محل دادگاه حضور داشته یا دارای تابعیت آن کشور باشد.
- ۲-۲-۲ وقتی که خواننده اموالی در کشور مقرر دادگاه داشته باشد، اعم از این که اختلاف طرفین مربوط به آن اموال باشد یا نباشد، اما اختیار دادگاه در رسیدگی باید به عین اموال یا قیمت آنها محدود شود.
- ۲-۳ دادگاه می تواند راجع به اشخاص یا اموال واقع در سرزمین کشور متبوع خود دستور اقدامات موقت و احتیاطی را صادر کند، حتی اگر نسبت به اصل دعوا فاقد صلاحیت باشد.
- ۲-۴ در صورتی که اصحاب دعوا قبلاً راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه یا مرجع دیگری توافق کرده باشند، به طور کلی دادگاه باید از رسیدگی خودداری کند.
- ۲-۵ در صورتی که معلوم شود یک دادگاه دیگر صلاحیت مناسب تری از دادگاه رسیدگی کننده دارد، دادگاه اخیر می تواند از رسیدگی خودداری یا قرار توقیف دادرسی را صادر کند.
- ۲-۶ در صورتی که دعوا سابقاً در دادگاه دیگری مطرح و تحت رسیدگی باشد، دادگاه لاحق باید از رسیدگی خودداری یا قرار توقیف دادرسی را صادر کند، مگر این که معلوم شود که در دادگاه سابق رسیدگی به طور عادلانه، مؤثر و سریع نخواهد بود.

۳. برابری اصحاب دعوا در دادرسی

- ۳-۱ دادگاه باید امکان برخورداری متداعیین از رفتار برابر و فرصت متعارف جهت طرح ادعا یا دفاع آنان را تضمین کند.
- ۳-۲ حق برخورداری متداعیین از رفتار برابر شامل اجتناب دادگاه از هر نوع تبعیض نامشروع، به خصوص بر مبنای تابعیت یا محل اقامت طرفین می‌شود. دادگاه باید به مشکلات طرف خارجی که ممکن است از حیث شرکت در دادرسی با آن مواجه شود، توجه کند.
- ۳-۳ دادگاه نباید به صرف این که یکی از طرفین تبعه یا مقیم کشور محل دادگاه نیست، وی را ملزم کند که برای خسارات دادرسی طرف دیگر یا خسارات احتمالی ناشی از اجرای اقدامات موقت یا احتیاطی، تأمین و تضمین بسپارد.
- ۳-۴ قواعد صلاحیت محلی دادگاه،^۲ تا حد امکان، نباید بار نامتعارف دسترسی به دادگاه را به طرفی که اقامتگاه وی در مقر دادگاه نیست، تحمیل کند.

۴. حق برخورداری از وکیل

- ۴-۱ هر یک از طرفین دعوا حق اختیار وکیل به انتخاب خود را دارد؛ این حق هم شامل نمایندگی وکیلی می‌شود که در محل دادگاه به حرفه وکالت اشتغال دارد و هم شامل معاضدت فعال وکیلی که در کشوری دیگر به این حرفه اشتغال دارد.
- ۴-۲ استقلال حرفه‌ای وکیل باید حفظ شود. وکیل باید مجاز باشد که تکلیف وفاداری به موکل و حفظ اسرار وی را ایفاء نماید.

۵. ابلاغ صحیح و حق استماع اظهارات

- ۵-۱ در شروع دادرسی، برگ اخطار باید به وسیله‌ای که به طور متعارف مؤثر است، به نشانی خوانندگان ارسال شود. نسخه‌ای از برگ دادخواست یا برگ‌های دیگر که حاوی جهات موضوعی دعوا و تعیین خواسته خواهان باشد، باید پیوست برگ اخطار شود. خواننده باید از نحوه پاسخ‌گویی به دعوای خواهان و امکان صدور حکم غیابی علیه خود در صورت عدم پاسخ به موقع به آن، آگاه باشد.

2. Venue rules

- ۵-۲ اوراق و برگ‌های موضوع اصل ۱-۵ باید به زبان رایج در کشور مقر دادگاه و نیز به زبان رایج در کشور محل اقامت اشخاص حقیقی یا محل اصلی امور تجاری اشخاص حقوقی و یا به زبان اسناد اصلی معامله تنظیم و ابلاغ شود. همین طور، خواننده و طرف‌های دیگر نیز باید لوائح دفاعیه، اظهارات معارض و درخواست‌های خود را به زبان رایج در دادرسی، مطابق مقررات اصل ۶، تنظیم و به خواهان ابلاغ کنند.
- ۵-۳ بعد از شروع دادرسی، همه طرف‌ها باید فوراً از پیشنهاد و درخواست‌های طرف‌های دیگر و تصمیمات دادگاه آگاه شوند.
- ۵-۴ اصحاب دعوا حق دارند امور موضوعی و حکمی مورد اختلاف که مربوط به مورد دعوا است و همچنین دلایل مثبت ادعای خود را به دادگاه ارائه کنند.
- ۵-۵ هر یک از طرفین باید از فرصت عادلانه و وقت کافی متعارف برخوردار باشند که به امور موضوعی و حکمی مورد اختلاف و به دلایل ابرازی طرف دیگر و دستورات و پیشنهادهای دادگاه پاسخ دهند.
- ۵-۶ دادگاه باید به کلیه موارد اختلاف اصحاب دعوا توجه و سپس به موضوع‌های اساسی مورد اختلاف رسیدگی کند.
- ۵-۷ اصحاب دعوا می‌توانند، با توافق یکدیگر و با اجازه دادگاه، از شیوه‌های ارتباطی سریع، مانند وسایل ارتباطی از راه دور استفاده کنند.
- ۵-۸ دادگاه نمی‌تواند بدون اخطار قبلی به خواننده، دستوری را صادر و اجرا کند که معارض با منافع وی باشد مگر این که متقاضی دستور لزوم فوریت آن و غلبه ملاحظات منصفانه را اثبات کند. صدور دستور یکجانبه^۳ باید با منافی که متقاضی درصدد حفظ آن است، متناسب باشد. طرفی که به زیان وی این دستور صادر شده است، تا حد امکان، باید از مفاد دستور دادگاه و جهات استنادی موجه آن مطلع شود؛ همچنین وی باید از این حق برخوردار باشد که از دادگاه رسیدگی مجدد، فوری و کامل آن را درخواست کند.

3. Ex parte order

۶. زبان دادرسی

- ۶-۱ به طور کلی، جریان دادرسی باید به زبان رایج دادگاه اداره شود. این امر شامل اسناد و مدارک ارائه شده و مذاکرات شفاهی در دادگاه نیز می‌شود.
- ۶-۲ دادگاه می‌تواند استفاده از زبان‌های دیگر را، در صورتی که موجب ضرر یکی از طرفین نباشد، در تمام طول دادرسی یا بخشی از آن مجاز شمارد.
- ۶-۳ اگر یکی از طرفین دعوا یا شاهد به زبان دادرسی آشنا نباشد، باید امکان ترجمه برای آنها فراهم شود. ترجمه اسناد مطول و مفصل ممکن است به موجب توافق اصحاب دعوا یا دستور دادگاه به قسمت هایی از آنها محدود شود.

۷. اجرای فوری عدالت

- ۷-۱ دادگاه باید اختلاف طرفین را در مدت زمان متعارف حل و فصل کند.
- ۷-۲ اصحاب دعوا مکلفند با دادگاه همکاری کنند و حق دارند که به طور متعارف طرف مشورت دادگاه درباره برنامه زمانی رسیدگی قرار گیرند. برنامه زمانی متعارف رسیدگی و مواعد آن به موجب قواعد دادرسی و دستورات قضایی دادگاه تعیین می‌شوند؛ همچنین، ضمانت اجرای عدم رعایت غیر موجه این اوقات و مواعد توسط طرفین یا وکلای آنان به موجب همین قواعد و ضمن دستور دادگاه تعیین می‌شود.

۸. اقدامات موقت و احتیاطی^۴

- ۸-۱ دادگاه وقتی می‌تواند دستور اجرای اقدام موقت را صادر کند که این امر برای حفظ مؤثر خواسته تا صدور حکم قطعی یا برای حفظ و اداره وضع موجود از جهات دیگر لازم باشد. دادگاه باید در پذیرش درخواست اقدامات موقت و احتیاطی، اصل تناسب^۵ را رعایت کند.

4. Provisional and Protective Measures

5. The principle of proportionality

۸-۲ دادگاه نمی‌تواند بدون ابلاغ به طرف مقابل، دستور اجرای اقدام موقت و احتیاطی را صادر کند مگر فقط بر مبنای ضرورت فوری و غلبه ملاحظات منصفانه. متقاضی باید در درخواست خود، امور موضوعی و حکمی را که دادگاه لازم است برای صدور دستور از آنها آگاه باشد، به طور کامل تصریح کند. شخصی که این دستور یکجانبه علیه او صادر می‌شود، باید از این امکان برخوردار باشد که در اولین فرصت ممکن، نسبت به مبنای صدور آن اعتراض کند.

۸-۳ اگر دادگاه پس از رسیدگی به اعتراض خوانده پی ببرد که از ابتدا موجبی برای صدور دستور اقدامات موقت و احتیاطی وجود نداشته است، به طور کلی متقاضی دستور باید خسارات طرف مقابل را جبران کند. دادگاه، در صورت اقتضا، باید متقاضی اقدام موقت و احتیاطی را ملزم کند که تأمین مناسب تودیع کند یا به طور رسمی ملتزم به جبران خسارات احتمالی طرف مقابل گردد.

۹. ساختار دادرسی

۹-۱ به طور کلی، دادرسی باید حاوی سه مقطع باشد: مقطع مقدماتی، مقطع میانی و مقطع نهایی.

۹-۲ در مقطع مقدماتی، اصحاب دعوا باید ادعاها، دفاعیات و سایر موارد اختلاف و دلایل اصلی خود را به طور کتبی به دادگاه ارائه کنند.

۹-۳ در مقطع میانی، دادگاه باید در صورت لزوم، امور زیر را انجام دهد:

۹-۳-۱ جلساتی را برای اداره دادرسی برگزار کند.

۹-۳-۲ برنامه زمانی ای تهیه کند که حاوی خلاصه‌ای از جریان دادرسی باشد.

۹-۳-۳ به اموری مانند صلاحیت، اقدامات احتیاطی و مرور زمان که مستلزم اتخاذ تصمیم فوری هستند، رسیدگی کند.

۹-۳-۴ امکان دسترسی به دلیل، پذیرش، افشا و تبادل دلایل را بررسی کند.

۹-۳-۵ برای این که در ابتدای امر تمام یا بخشی از اختلاف طرفین تعیین تکلیف شود، موضوع‌هایی را که طرفین از اساس درباره آنها توافق دارند، مشخص کند.

۹-۳-۶ دستوراتی را که مربوط به اداره دلیل می‌شود، صادر کند.

۹-۴ در مقطع نهایی، به طور کلی اصحاب دعوا باید دلایلی را که قبلاً طبق اصل ۶-۳-۹ به دادگاه اظهار نکرده‌اند، در یک جلسه نهایی متمرکز ارائه کنند. جلسه نهایی، جلسه‌ای است که طرفین آخرین بحث‌ها و استدلال‌های خود را در آن جا مطرح می‌کنند.

۱۰. اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی^۶

۱۰-۱ دعوی مدنی باید با درخواست خواهان آغاز شود؛ دادگاه نمی‌تواند رأساً و به نظر خود مبادرت به طرح آن نماید.^۷

۱۰-۲ تاریخ ثبت دادخواست نزد دادگاه، از حیث شمول قوانین مرور زمان، تعیین دادگاه صالح پس از ایراد دعوی مطروحه^۸ و سایر اموری که مقتضی اقدام به موقع هستند، تعیین کننده است.

۱۰-۳ قلمرو دعوا به وسیله ادعاها و دفاعیات اصحاب دعوا در دادخواست و لوایح آنان از جمله دادخواست اضافی و لوایح اصلاحی تعیین می‌شود.

۱۰-۴ هر یک از اصحاب دعوا حق دارد با اثبات علت موجه ادعا یا دفاعیات خود را تصحیح کند مشروط بر این که بلافاصله این تغییرات به طرف مقابل ابلاغ شود و در موقعی صورت بگیرد که باعث تأخیر نامتعارف دادرسی یا از جهاتی دیگر موجب بی‌عدالتی نشود.

۱۰-۵ طرفین حق دارند که به خواست خود در هر زمانی به موجب استرداد دعوا و تسلیم به دعوا یا سازش، به تمام یا بخشی از دادرسی پایان بدهند یا آن را اصلاح کنند. خواهان نمی‌تواند در صورت ورود زیان به طرف مقابل، به طور یکجانبه به دعوا پایان یا آن را تغییر دهد.

۱۱. تکالیف اصحاب دعوا و وکلای آنان

۱۱-۱ طرفین و وکلای آنان باید در مواجهه با دادگاه و طرف‌های دیگر با حسن نیت رفتار کنند.

6. Le Principe dispositif

۷. در پاره‌ای متون، این اصل این گونه ترجمه شده است: «دادرسی با طرح دعوی خواهان آغاز می‌شود؛ دادگاه نمی‌تواند رأساً خود را صالح به رسیدگی بداند». پرسش این است که اگر دادگاه نتواند خود را صالح به رسیدگی بداند پس چه کسی می‌تواند خود را صالح به رسیدگی بداند؟ (مترجم).

8. *Lis pendens*

به آن «ایراد سبق طرح دعوا» و «ایراد دعوی طرح شده» نیز گفته شده است. همچنین رک به م ۸۴ (بند ۲/ شق اول) ق.آ.د.م ایران.

- ۱۱-۲ اصحاب دعوا در مسؤولیت دادگاه جهت پیشبرد حل و فصل عادلانه، کارآمد و به طور متعارف سریع دادرسی سهیم هستند. طرفین دعوا نباید با اقداماتی مانند اخلال در گواهی گواهان یا اتلاف دلایل، از جریان دادرسی سوء استفاده کنند.
- ۱۱-۳ در مقطع مقدماتی، طرفین باید امور موضوعی مربوط به دعوا، جهات حکمی مورد اختلاف و نیز خواسته دعوا را با ذکر جزئیات متعارف ارائه کنند؛ همچنین آنها باید دلایلی را که برای اثبات ادعای خود دارند، با تصریح کافی توصیف کنند. اگر یکی از طرفین با دلیل موجه ثابت کند که قادر به تصریح کافی امور موضوعی یا دلایل مثبت آن نیست، دادگاه باید به این امکان توجه لازم داشته باشد که امور موضوعی و دلایل ضروری بعداً در جریان دادرسی تکمیل خواهند شد.
- ۱۱-۴ اگر یکی از طرفین بدون عذر موجه از پاسخ به موقع به امور مورد اختلاف طرف دیگر خودداری کند، دادگاه می‌تواند بعد از تذکر به وی، آن را مبنای کافی برای تلقی این موضوع بداند که امر مورد اختلاف مورد تصدیق یا پذیرش طرف مذکور است.
- ۱۱-۵ وکلای اصحاب دعوا از نظر حرفه‌ای مکلفند که به موکلین خود در انجام تکالیفی که در دادرسی به عهده دارند، مساعدت کنند.

۱۲. تعدد دعاوی و اصحاب دعوا؛ دعاوی اشخاص ثالث

- ۱۲-۱ هر یک از طرفین دعوا می‌تواند علیه طرف مقابل خود یا شخص ثالثی که دادگاه نسبت به او صلاحیت رسیدگی دارد، هر ادعایی را مطرح کند، مشروط بر این که این دعوا با موضوع دعوایی که در جریان است، ارتباط اساسی داشته باشد.
- ۱۲-۲ هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود نفعی قائل باشد که ارتباط اساسی با آن دارد، می‌تواند وارد دعوا شود. دادگاه می‌تواند به نظر خود یا حسب درخواست یکی از طرفین با ارسال اخطار، اشخاص ثالث را به دادرسی فراخواند. دعاوی اشخاص ثالث فقط در صورتی پذیرفته می‌شوند که موجب تأخیر یا پیچیدگی نامتعارف دادرسی یا به نحوی دیگر باعث زیان ناعادلانه یکی از طرفین نشوند. قانون مقرر دادگاه می‌تواند طرح دعاوی اشخاص ثالث در مرحله تجدید نظر را تجویز کند.
- ۱۲-۳ دادگاه در صورت اقتضاء، باید اجازه بدهد که در جریان دادرسی شخص دیگری جایگزین یا در ردیف یکی از اصحاب دعوا قرار گیرد.

۱۲-۴ حقوق و تکالیف طرفی که به دادرسی ملحق می‌شود، به طور کلی همان حقوق و تکالیف اصحاب دعاوی اصلی است. حدود این حقوق و تکالیف به مبنا، زمان و اوضاع و احوال الحاق اشخاص جدید یا طرح دعاوی اشخاص ثالث بستگی دارد.

۱۲-۵ دادگاه به منظور این که دعوا را به طور عادلانه یا مؤثرتری اداره و حل و فصل کند یا به منظور اجرای عدالت، می‌تواند قرار رسیدگی جداگانه دعاوی، امور مورد رسیدگی یا طرف‌های دعوا یا قرار رسیدگی توأمان آنها را با دادرسی‌های دیگر صادر کند. این اختیار دادگاه شامل اشخاص یا دعاوی که مشمول این اصول نیستند، نیز خواهد شد.

۱۳. نظریه حقوقی یاور دادگاه^۹

در صورتی که اشخاص ثالث داوطلبانه درباره مسائل قانونی مهم پرونده و اطلاعات راجع به سوابق امر، نظریه حقوقی خود را کتباً به دادگاه ارائه بدهند، دادگاه می‌تواند به صلاحدید خود پس از مشورت با اصحاب دعوا، این نظریه را بپذیرد. دادگاه خود نیز می‌تواند نظریه حقوقی این اشخاص را استعلام کند. دادگاه قبل از این که اظهار نظر یاور دادگاه بررسی کند، باید برای طرفین دعوا این فرصت را فراهم کرد که نقطه نظرات مکتوب خود را در خصوص مسائل مطرح در نظریه حقوقی وی ارائه کنند.

۱۴. مسؤلیت دادگاه در اداره دادرسی

۱۴-۱ به منظور حل و فصل عادلانه و مؤثر دعوا و با سرعت متعارف، دادگاه باید به طور فعال در سریع‌ترین زمان ممکن دادرسی را اداره کند. همچنین، دادگاه باید به ویژگی فراملی دعوا توجه کند.

۱۴-۲ تا حدی که به طور متعارف ممکن است، دادگاه باید دادرسی را با مشورت اصحاب دعوا اداره کند.

۱۴-۳ دادگاه باید ترتیبی را که قرار است اختلافات بر آن اساس حل و فصل شوند و نیز برنامه زمانی‌ای را که مشتمل بر تاریخ و مواعد زمانی در هر مقطعی از دادرسی باشد، مشخص کند. همچنین، دادگاه می‌تواند این ترتیب مقرر را تصحیح کند.

9. *amicus curiae*

۱۵. حکم رد دعوی متروک^{۱۰} و صدور حکم غیابی^{۱۱}

- ۱۵-۱ به طور کلی، حکم رد دعوی متروک باید علیه خواهانی صادر شود که بدون جهت قانونی، دعوی خود را پیگیری نمی‌کند. دادگاه، قبل از صدور این حکم، باید خواهان را به نحو متعارف از تصمیم خود آگاه کند.
- ۱۵-۲ به طور کلی، حکم غیابی باید علیه خوانده یا طرف دیگری صادر شود که، بدون جهت قانونی، در دادگاه حاضر نمی‌شود یا در مهلت مقرر از پاسخ به دعوی خواهان خودداری می‌کند.
- ۱۵-۳ دادگاه در صدور حکم غیابی باید نکات زیر را مورد توجه قرار دهد:
- ۱-۳-۱ دادگاه نسبت به خوانده غایب صلاحیت رسیدگی دارد.
- ۲-۳-۲ مقررات مربوط به ابلاغ رعایت شده و خوانده از فرصت کافی جهت پاسخ به دعوی خواهان برخوردار بوده است.
- ۳-۳-۳ امور موضوعی و دلایل موجود در پرونده به طور متعارف مثبت ادعای خواهان بوده و مبنای قانونی این ادعا از جمله مطالبه ضرر و زیان یا هر گونه ادعای مربوط به هزینه‌های دادرسی موجه است.
- ۴-۱۵ حکم غیابی نمی‌تواند بیش از مبلغ خواسته و شدیدتر از خواسته خواهان در دادخواست باشد.
- ۵-۱۵ حکم رد دعوی متروک علیه خواهان و حکم غیابی علیه خوانده، قابل تجدید نظر در دادگاه بالاتر یا قابل اعتراض در همان دادگاه صادر کننده حکم است.
- ۶-۱۵ دادگاه برای هر یک از طرفین که تکلیف حضور در جلسه رسیدگی را به هر نحوی رعایت نکنند، طبق اصل ۱۷ ضمانت اجرا قائل خواهد شد.

10. Dissmial

در حال حاضر، چنین تأسیسی به طور دقیق در حقوق دادرسی مدنی ایران وجود ندارد. اما مترجم تلاش کرده است با تقلید ادبی از تأسیس «قرار ترک تعقیب» ماده ۱۷۷ (ج) (تبصره ۱) قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۷۸ معادل «حکم رد دعوی متروک» را پیشنهاد کند. شاید «قرار رد دعوی متروک» با توجه به قواعد حقوقی حاکم مناسب‌تر باشد اما با توجه به قاعده ۳۳ این مجموعه که قرارها را غیر قابل تجدید نظر دانسته، عنوان «حکم» را مناسب‌تر یافتیم (مترجم).

11. Default judgement

۱۶. دسترسی به اطلاعات و دلایل

- ۱۶-۱ به طور کلی، دادگاه و هر یک از طرفین باید به دلایل مربوط به مورد دعوا و دلایلی که محرمانه و سری نیستند، از جمله اظهارات اصحاب دعوا و گواهان، گزارش کارشناسان و اسناد دسترسی داشته باشند؛ همین اصل درباره دلایل ناشی از بازرسی اشیاء و معاینه محل یا در صورت اقتضاء، نسبت به دلایل ناشی از آزمایش و معاینه اشخاص از نظر جسمی یا روانی، جاری است. اصحاب دعوا نیز حق دارند مطالبی را که دارای ارزش اثباتی هستند، به دادگاه اظهار کنند.
- ۱۶-۲ با درخواست یکی از طرفین در مواعد قانونی، دادگاه باید دستور افشاء دلایلی که نزد طرف مقابل یا در اختیار وی است، صادر کند؛ همچنین، در صورت ضرورت و وجود جهات موجه، دادگاه همین دستور را درباره دلایلی که نزد اشخاص ثالث یا در اختیار آنها است، صادر خواهد کرد. دلایلی که موضوع این دستور دادگاه قرار می‌گیرند، باید مربوط به مورد دعوا باشند، محرمانه و سری نباشند و به طور متعارف محرز شود که دلایل مذکور نزد طرف مقابل و اشخاص ثالث یا در اختیار آنان است. طرف یا شخص ثالثی که به موجب دستور دادگاه ملزم به افشاء دلایل موجود نزد خود شده است، نمی‌تواند به استناد این که اقدام مذکور مضر به منافع او است، به این دستور دادگاه اعتراض کند.
- ۱۶-۳ وکیل هر یک از طرفین، به منظور تسهیل دسترسی به اطلاعات، داوطلبانه می‌تواند با گواهانی که احتمال ادای گواهی آنان در دادگاه وجود دارد،^{۱۲} گفتگو و مذاکره کند.
- ۱۶-۴ اظهارات اصحاب دعوا، گواهی گواهان و نظریه کارشناسان باید مطابق قانون مقرر دادگاه اخذ شود.^{۱۳} هرگاه در ابتدا امر، دادگاه یا یکی از طرفین از طرف دیگر، گواهان و کارشناسان پرسش و تحقیق کرده باشند، طرف دیگر نیز به طور مستقیم حق طرح سوالات تکمیلی از هر یک از آنها را دارد.
- ۱۶-۵ هر شخصی که دلیلی را به دادگاه ارائه کند، اعم از این که او یکی از طرف‌های دعوا باشد یا شخص ثالث، حق دارد از دادگاه درخواست کند که دستوری مبنی بر منع افشاء ناموجه آن بخشی از دلیل که حاوی اطلاعات محرمانه است، را صادر کند.

12. Potential witness

13. Eliciting testimony of parties, witness, and experts...

۱۶-۶ دادگاه باید دلایل اصحاب دعوا را آزادانه ارزیابی کند و نباید ارزش ناموجه‌ای برای نوع یا منبع دلیل قائل شود.

۱۷. ضمانت اجرا

۱۷-۱ دادگاه می‌تواند برای کوتاهی یا خودداری اصحاب دعوا، وکلا و اشخاص ثالث از انجام تکالیف مربوط به دادرسی که به عهده آنان است، ضمانت اجرا قائل شود.

۱۷-۲ ضمانت اجرا باید متعارف و با میزان تخلف و زیان ناشی از آن تناسب داشته باشد؛ همچنین، ضمانت اجرا باید با میزان نقش متخلف در وقوع تخلف و میزان عمدی بودن آن متناسب باشد.

۱۷-۳ ضمانت‌های اجرایی که می‌توانند علیه اصحاب دعوا متناسب باشند، عبارتند از: استنباط نتیجه منفی^{۱۴}، رد تمام یا بخشی از ادعا، دفاع یا اظهار امور موضوعی؛ صدور حکم غیابی؛ توقیف دادرسی؛ حکم به پرداخت هزینه‌ها علاوه بر هزینه‌هایی که طبق قواعد عادی حاکم مجاز است. ضمانت‌های اجرایی که می‌توانند علیه اصحاب دعوا و اشخاص ثالث هر دو متناسب باشند، عبارتند از: ضمانت‌های پولی مانند جریمه مالی^{۱۵} و جریمه تأخیر^{۱۶}. پرداخت هزینه‌ها از جمله ضمانت‌های اجرایی است که می‌تواند علیه وکلا متناسب باشد.

۱۷-۴ صورتی که سوء رفتار اصحاب دعوا و اشخاص ثالث شدید یا سنگین باشد، مانند ارائه دلیل متقلبانه یا بروز رفتار خشن یا تهدیدآمیز، قانون مقر دادگاه ممکن است ضمانت‌های اجرایی دیگری از قبیل مسؤولیت کیفری پیش‌بینی کند.

14. Drawing adverse inferences

این اصطلاح در آیین دادرسی مدنی ایران با صراحت به کار نرفته است اما به طور تلویحی می‌توان آن را یافت. برای مثال، در مواردی که با وجود دستور دادگاه، یکی از طرفین از ابراز سند و مدرک معینی که نزد وی است خودداری می‌کند (ماده ۲۰۹) یا بازرگانی از ابراز دفاتر تجاری خود امتناع می‌ورزد (ماده ۲۱۰)، دادگاه می‌تواند آن را از قرائن مثبت ادعای طرف دیگر بداند. همین تلقی قرینه مثبت به نفع یکی از طرفین و به زیان طرف دیگر، در این جا به «استنباط نتیجه منفی» تعبیر و ترجمه شده است. با این وجود در متن دیگری که ترجمه این اصول است، این اصطلاح را به «تعزیر!» و در جایی دیگر از همان متن به «تقریر پیامدهای ناخوشایند!» برگردان شده است (مترجم).

15. Fines

16. Astreintes

۱۸. منع افشاء دلایل سری یا محرمانه

- ۱۸-۱ تکلیف اصحاب دعوا و اشخاص ثالث به افشاء دلایل و سایر اطلاعات، شامل دلایل و اطلاعات محرمانه یا سری و امور دیگری که مصون از افشاء هستند، نخواهد شد.
- ۱۸-۲ دادگاه در هنگام تصمیم جهت استنباط نتیجه منفی یا اعمال سایر ضمانت اجرای غیر مستقیم علیه یکی از طرفین دعوا، باید به این موضوع توجه کند که آیا سری و محرمانه بودن دلایل یا اطلاعات و یا وجود سایر مصونیت‌های قانونی می‌تواند عدم افشاء آنها را توسط طرف مذکور توجیه کند.
- ۱۸-۳ دادگاه در هنگام استفاده از اختیارات خود جهت اعمال ضمانت اجرای مستقیم نسبت به یکی از اصحاب دعوا یا اشخاص ثالث به منظور الزام آنان به افشای دلیل یا سایر اطلاعات، باید به جنبه محرمانه و سری آنها توجه کند.

۱۹. بیان اظهارات به صورت کتبی و شفاهی

- ۱۹-۱ به طور کلی، ادعا و مدافعات، درخواست‌های رسمی و استدلال‌های حقوقی اصحاب دعوا ابتدا به صورت کتبی در دادگاه مطرح می‌شوند؛ با این وجود، هر یک از آنها حق دارد استدلال خود درباره مسائل ماهوی و شکلی مهم را به صورت شفاهی نیز بیان کند.
- ۱۹-۲ استماع نهایی اظهارات اصحاب دعوا باید در برابر دادرسانی صورت گیرد که حق انشاء و صدور حکم را دارند.
- ۱۹-۳ دادگاه آیین و نحوه ادای گواهی اشخاص را تعیین می‌کند. به طور کلی، اظهارات اصحاب دعوا و گواهی گواهان به صورت شفاهی و گزارش کارشناسان به صورت کتبی ارائه می‌شود؛ با این وجود، دادگاه می‌تواند پس از مشورت با اصحاب دعوا، مقرر کند که مفاد گواهی در ابتدا به صورت کتبی ارائه گردد تا اصحاب دعوا قبل از جلسه رسیدگی از آن مطلع گردند.
- ۱۹-۴ پس از این که گواهی گواهان یا گزارش کارشناسان ابتدا به صورت کتبی ارائه شد، دادگاه و هر یک از طرفین دعوا می‌توانند از گواه یا کارشناس فقط سوالات تکمیلی به عمل آورند.

۲۰. دادرسی علنی

- ۲۰-۱ به طور کلی، جلسات دادگاه به منظور استماع اظهارات شفاهی، که شامل جلسات رسیدگی به دلایل و اعلام رأی دادگاه می‌شود، باید برای عموم افراد علنی باشد. دادگاه، پس از مشورت با اصحاب دعوا، می‌تواند دستور دهد که از حیث اجرای عدالت، رعایت نظم عمومی یا حفظ حریم خصوصی اشخاص، تمام یا بخشی از جلسه رسیدگی به صورت غیرعلنی برگزار شود.
- ۲۰-۲ پرونده‌ها و سوابق دادگاه باید برای عموم مردم علنی باشد یا در غیر این صورت طبق قانون مقر دادگاه حداقل باید اشخاصی که دارای نفع مشروع بوده یا به مناسبت مسؤولیت خود در این زمینه دست به تحقیقاتی می‌زنند، به آنها دسترسی داشته باشند.
- ۲۰-۳ در مواردی که قرار است دادرسی به صورت علنی برگزار شود، دادرس می‌تواند از حیث اجرای عدالت، رعایت نظم عمومی یا حفظ حریم خصوصی اشخاص، بخش از آن را به صورت خصوصی و غیرعلنی برگزار کند.
- ۲۰-۴ عموم اشخاص باید بتوانند به آراء دادگاه‌ها، از جمله دلایل و مستندات که رأی بر اساس آنها صادر شده و به طور کلی سایر دستوراتی که دادگاه صادر کرده است، دسترسی داشته باشند.

۲۱. بار اثبات و ضابطه آن

- ۲۱-۱ به طور کلی، هر یک از طرفین دعوا باید کلیه امور موضوعی مبنای ادعای خود را اثبات کند.
- ۲۱-۲ امور موضوعی وقتی اثبات می‌شوند که دادگاه به طور متعارف از صحت و درستی آنها اقناع شود.
- ۲۱-۳ هرگاه معلوم شود که دلیل مربوط به مورد دعوا نزد یکی از طرفین یا در اختیار او است، ولی بدون عذر موجه از ابراز آن امتناع می‌کند، دادگاه می‌تواند با توجه به امری که این دلیل مثبت آن است، از آن نتیجه منفی استنباط کند.

۲۲. تکلیف طرفین و دادگاه در تعیین امور موضوعی و حکمی

- ۲۲-۱ دادگاه مکلف است به کلیه جهات موضوعی و دلایل مربوط به دعوا رسیدگی کند؛ همچنین دادگاه مکلف است مبنای قانونی و صحیح تصمیمات خود، از جمله موضوعاتی که بر مبنای قانون خارجی حل و فصل می‌شوند را تعیین کند.
- ۲۲-۲ دادگاه می‌تواند، ضمن فراهم کردن فرصت پاسخ‌گویی اصحاب دعوا، اقدامات زیر را نیز انجام دهد:
- ۲۲-۲-۱ به یکی از طرفین اجازه بدهد یا از او دعوت کند که امور حکمی و موضوعی مورد اختلاف خود را تصحیح و در نتیجه استدلال حقوقی و دلیل جدیدی ارائه کند.
- ۲۲-۲-۲ دلیلی را اداره کند که قبلاً هیچ یک از طرفین به آن استناد نکرده‌اند.
- ۲۲-۲-۳ به نظریه حقوقی یا تفسیری از امور موضوعی یا دلایلی استناد کند که قبلاً هیچ یک از طرفین آن را مطرح نکرده است.
- ۲۲-۳ به طور کلی، دادگاه باید خود به همه دلایل در جلسه دادرسی رسیدگی کند، اما در صورت لزوم، می‌تواند اداره دلایل و حفظ و تأمین آنها را به یکی از مأموران ذیصلاح واگذار تا سپس خود در جلسه نهایی به آنها رسیدگی کند.
- ۲۲-۴ دادگاه می‌تواند کارشناس تعیین کند تا وی درباره هر امر مربوط به دعوا که مستلزم اظهار نظر کارشناس است، از جمله قانون خارجی، نظریه خود را ارائه کند.
- ۲۲-۴-۱ اگر طرفین دعوا کارشناسی را با تراضی انتخاب کنند، دادگاه به طور کلی باید همان کارشناس را انتخاب کند.
- ۲۲-۴-۲ درباره هر امر مربوط به دعوا که مستلزم اظهار نظر کارشناس است، هر یک از طرفین حق دارد گزارش کارشناس منتخب خود را به دادگاه ارائه کند.
- ۲۲-۴-۳ کارشناس، اعم از این که منتخب دادگاه باشد یا طرفین، در برابر دادگاه این تکلیف را دارد که مورد کارشناسی را به طور کامل و عینی ارزیابی کند.

۲۳. رأی دادگاه و اسباب موجهه آن

- ۲۳-۱ دادگاه باید بلافاصله پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا رأی خود را صادر کند؛ رأی دادگاه باید به صورت کتبی انشاء یا پاکنویس شود. همچنین، رأی دادگاه باید حاوی نحوه جبران خواسته و در محکومیت‌های مالی حاوی میزان محکوم به باشد.
- ۲۳-۲ رأی دادگاه باید مستدل و حاوی جهات اساسی موضوعی و حکمی و همچنین مستنداتی باشد که رأی بر اساس آنها صادر شده است.

۲۴. سازش

- ۲۴-۱ دادگاه ضمن احترام به حق طرفین جهت پیگیری دعوای خود، تا حدی که به طور متعارف ممکن است، باید اصحاب دعوا را به سازش ترغیب کند.
- ۲۴-۲ دادگاه باید در هر مرحله‌ای از رسیدگی، همکاری اصحاب دعوا در توسل به شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف را تشویق کند.
- ۲۴-۳ اصحاب دعوا، هم پیش از طرح دعوا و هم پس از آن، باید برای تلاش‌های متعارف جهت دستیابی به سازش همکاری کنند؛ دادگاه می‌تواند حکم به پرداخت هزینه‌های دادرسی را به گونه‌ای تعدیل کند که گویای عدم همکاری نامتعارف یا شرکت با سوء نیت یکی از طرفین در تلاش‌های مربوط به سازش باشد.

۲۵. خسارات دادرسی

- ۲۵-۱ به طور کلی، محکوم له حق دارد تمام یا بخش اساسی از خسارات متعارف دادرسی را دریافت کند. «خسارات دادرسی» عبارت است از هزینه دادرسی، هزینه‌های پرداختی به مأموران رسمی نظیر تندنویسان دادگاه، حق الزحمه کارشناسی و حق الوکاله وکیل.

۲۵-۲ دادگاه می‌تواند در موارد استثنائی که جهات موجه و روشن وجود دارد، از صدور حکم به نفع محکوم‌له راجع به خسارات دادرسی خودداری یا میزان آن را محدود کند. دادگاه می‌تواند در حکم خود این خسارات را محدود به هزینه‌ها و مخارجی کند که طرفین به طور واقعی درباره آن اختلاف دارند؛ همچنین اگر محکوم‌له در حین دادرسی مسائل غیر ضروری را مطرح کرده باشد یا رفتار وی به گونه‌ای نامتعارف ستیزه‌جویانه بوده است، دادگاه می‌تواند او را محکوم به پرداخت خسارت کند. دادگاه می‌تواند در هنگام تصمیم‌گیری در خصوص هزینه‌ها، سوء رفتار هر یک از طرفین در انجام امور دادرسی را مورد توجه قرار دهد.

۲۶. امکان اجرای فوری احکام

۲۶-۱ به طور کلی، حکمی که دادگاه نخستین در پایان دادرسی صادر می‌کند، فوراً قابل اجرا است.

۲۶-۲ دادگاه نخستین یا تجدید نظر، رأساً یا حسب درخواست یکی از طرفین، می‌تواند از حیث اجرای عدالت، اجرای حکم تجدیدنظرخواسته را متوقف کند.

۲۶-۳ دادگاه ممکن است توقف اجرای حکم نخستین را به تودیع تأمین مناسب از ناحیه تجدید نظرخواه منوط کند؛ در صورتی که تجدید نظرخوانده نیز تأمین مناسبی بدهد، دادگاه می‌تواند از دستور توقف اجرای حکم رفع اثر کند.

۲۷. تجدید نظر از آرای دادگاه

۲۷-۱ درخواست رسیدگی تجدید نظر باید بر اساس شرایطی که برای احکام دیگر در قانون مقرر دادگاه مقرر شده است، پذیرفته شود. رسیدگی تجدیدنظر باید در سریع‌ترین زمان ممکن به پایان برسد.

۲۷-۲ به طور کلی، رسیدگی تجدید نظر باید به ادعاها و دفاعیات مطرح در رسیدگی نخستین محدود شود.

۲۷-۳ دادگاه تجدید نظر می‌تواند در اجرای عدالت، به وقایع و دلایل جدید نیز رسیدگی کند.

۲۸. اعتبار امر مطروحه^{۱۷} و اعتبار امر مختومه^{۱۸}

۲۸-۱ تعیین حدود دعوایی که هم زمان در دو مرجع مطرح و تحت رسیدگی است، برای اعمال قواعد مربوط به اعتبار دعوی مطروحه ضروری است: حدود دعوا به موجب ادعاها و مدافعات طرفین به صورتی که در دادخواست و لوایح تقدیمی آنان از جمله اصلاح و تصحیح بعدی آنها تصریح شده است، تعیین می‌شود.

۲۸-۲ هرگاه دعوی طرح شده قبلاً یک بار رسیدگی و مورد حکم واقع شده باشد، برای اعمال قواعد مربوط به اعتبار امر مختومه،^{۱۹} حدود دعوا یا دعوی مختومه با توجه به ادعاها و مدافعات طرفین در دادخواست و لوایح تقدیمی آنان از جمله اصلاح و تصحیح بعدی آنها و با توجه به رأی دادگاه و اسباب موجهه آن تعیین می‌شود.

۲۸-۳ دادگاه نباید به مفهوم اعتبار امر مختومه ضمنی،^{۲۰} در خصوص یک امر موضوعی یا اعمال قانون نسبت به امور موضوعی استناد کند مگر برای جلوگیری از بروز امری که به نحو اساسی برخلاف عدالت است.

۲۹. اجرای مؤثر آرای دادگاه

اصحاب دعوا باید از حق دسترسی به آیین اجرای سریع و مؤثر آراء از جمله احکام مالی، خسارات و هزینه‌های دادرسی، دستور موقت و قرار تأمین خواسته برخوردار باشند.

۳۰. شناسایی آرای دادگاه

آرای قطعی صادره از دادگاه دیگر که دادرسی آن انطباق اساسی با این اصول دارد، باید شناسایی و اجرا شود مگر این که مخالف نظم عمومی باشند. اقدامات موقت و احتیاطی نیز باید بر اساس همین شرایط مورد شناسایی قرار بگیرد.

17. *Lis pendens*

18. *Res judicata*

19. The rules of claim preclusion

20. The concept of issue preclusion

۳۱. تعاون قضایی بین المللی

دادگاه کشوری که این اصول را پذیرفته است، باید با دادگاه خارجی دیگری که دادرسی را مطابق این اصول برگزار می کند، همکاری کند؛ این همکاری از جمله شامل اقدامات موقت یا احتیاطی و همچنین تشخیص، تأمین و تقدیم دلیل می شود.